

Comparative Analysis of News Coverage of the Abadan Metropol Building Collapse in Shargh and Kayhan Newspapers

Narges Hamidipour: M.A. Student of Cultural Studies and Media, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. **email:** hamidipour.n@ut.ac.ir

Farzad Gholami: Assistant Professor, Department of Social Communication Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran (Corresponding Author), Tehran, Iran. **email:** farzadgholami@ut.ac.ir

During a crisis, uncertainty and limited access to reliable information often lead different stakeholders to develop differing perspectives regarding responsibility for the crisis, its underlying causes, and possible solutions. Through various framing strategies, the media can significantly influence stakeholders' perceptions of these issues.

From this perspective, the present study examines the collapse of the Metropol Building in Abadan and the manner in which it was covered by the newspapers Shargh and Kayhan. More specifically, the central research question is:

How was the Metropol crisis framed in these two newspapers?

To answer this question, newspaper content published during the ten-day period following the disaster was analyzed using Semetko and Valkenburg's five generic news frames in conjunction with the framing analysis method.

The findings reveal that the moral frame was employed exclusively by Shargh. However, both newspapers utilized the remaining four frames—namely the economic frame, responsibility frame, conflict frame, and human-interest frame—in their news coverage.

A noteworthy finding concerns the differences in the ways each newspaper applied these frames when presenting and interpreting the crisis.

Keywords: Crisis Communication, Framing, Metropol Crisis, Shargh Newspaper, Kayhan Newspaper.

How to cite this paper: Hamidipour, N., & Gholami, F. (2026). Comparative Analysis of News Coverage of the Abadan Metropol Building Collapse in Shargh and Kayhan Newspapers. *Rasaneh*, 37(2), 35-57. [In persian]

مطبوعات و ارتباطات بحران در ایران؛ مقایسه پوشش خبری ریزش برج "متروپل" آبادان در دو روزنامه شرق و کیهان

نوشته

نرگس حمیدی پور*

فرزاد غلامی**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱

چکیده

در زمان بروز بحران به دلیل عدم قطعیت و در دسترس نبودن اطلاعات، ذی نفعان مختلف دیدگاه‌های مختلفی درباره مسئولیت بحران، علت‌های بحران و راه‌حل‌های بحران دارند. رسانه‌ها می‌توانند با چارچوب‌بندی‌های متفاوت بر ادراک ذی نفعان اثرگذار باشند. با این نگاه، در این پژوهش بحران ریزش برج "متروپل" آبادان و پوشش خبری آن در دو روزنامه شرق و کیهان مورد توجه قرار گرفته است. به عبارتی سؤال اصلی پژوهش این است که بحران "متروپل" در این دو روزنامه چگونه چارچوب‌بندی شده است؟ برای پاسخ به سؤال تحقیق، داده‌های این دو روزنامه در یک بازه زمانی ده روزه بعد از بحران با استفاده از نظریه چارچوب‌های پنج‌گانه سمسکو و والکنبورگ و استفاده از روش تحلیل چارچوب مورد مطالعه قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش بیان‌گر آن است که چارچوب اخلاقی فقط در روزنامه شرق مورد توجه قرار گرفته است اما دو روزنامه هر چهار چارچوب دیگر شامل چارچوب‌های اقتصادی، مسئولیت، تعارض و انسانی را برای پوشش خبری به کار گرفته‌اند. نکته قابل تأمل در تفاوت‌هایی است که هرکدام از روزنامه‌ها در این چارچوب به کار گرفته‌اند.

کلیدواژه: ارتباطات بحران، چارچوب‌بندی، بحران متروپل، روزنامه شرق، روزنامه کیهان.

* دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی و رسانه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
hamidipour.n@ut.ac.ir

** استادیار گروه علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، تهران، ایران
farzadgholami@ut.ac.ir

نحوه استناد به این مقاله: حمیدی پور، نرگس و غلامی، فرزاد (۱۴۰۵). مطبوعات و ارتباطات بحران در ایران؛ مقایسه پوشش خبری ریزش برج "متروپل" آبادان در دو روزنامه شرق و کیهان. رسانه، ۳۷(۲)، ۳۵-۵۷.

مقدمه و طرح مسئله

بحران‌ها و به‌ویژه بحران‌هایی که تلفات انسانی دارند، به‌طور معمول تحت‌پوشش خبری گسترده‌ای قرار می‌گیرند و اخبار مربوط به علل وقوع بحران، آسیب‌ها، تأثیرات و خسارت‌های ناشی از آن، اقدامات انجام‌شده جهت مقابله با بحران و حواشی دیگر در رسانه‌های مختلف رسمی و غیررسمی بازتاب داده می‌شود. افزون بر این، مراجعه افکار عمومی به رسانه‌ها در زمان بحران برای کسب اطلاعات و یافتن پاسخ پرسش‌های متعدد درباره بحران، افزایش پیدا می‌کند. در زمان بروز بحران به دلیل وجود عدم قطعیت و در دسترس نبودن اطلاعات لازم، ذی‌نفعان مختلف دیدگاه‌های متفاوتی به بحران و ابعاد مختلف آن دارند و هر یک برداشت‌ها و تفسیر متفاوتی از علل بحران، آثار آن و راهکارهای برون‌رفت از آن ارائه می‌دهند و اخبار بحران را در چارچوب‌های متفاوتی به مخاطب عرضه می‌کنند (کومبز^۱، ۲۰۱۰). یکی از این گروه‌های ذی‌نفع در شرایط بحرانی مطبوعات هستند که هر یک براساس دیدگاهشان و متناسب با جهت‌گیری‌های زمینه‌ای خود مثل ارزش‌ها و نظام‌های اعتقادی، رویکردی خاص به بحران ایجادشده دارند (نلسون^۲ و ویلی^۳، ۲۰۰۱ به نقل از دآنجلو^۴ و شاو^۵، ۲۰۱۸: ۲۱۰). براساس این رویکرد، اخبار مربوط به بحران را به‌شیوه‌ای متفاوت چارچوب‌بندی می‌کنند و با تأکید بر برخی ابعاد بحران و حذف برخی ابعاد دیگر، زمینه‌ای را برای درک و تفسیر بحران در ذهن مخاطب فراهم می‌کنند.

یکی از بحران‌های انسانی که در سال‌های اخیر در ایران رخ داده است، فروریزی ساختمان "متروپل" شهرستان آبادان استان خوزستان، در ظهر دوازدهم خرداد ۱۴۰۱ است. در این بحران برجی تجاری و تازه‌ساخت به نام "متروپل" که ۱۲ طبقه داشت فروریخت و بر اثر آن ۴۳ نفر جان خود را از دست دادند. این ساختمان بخشی از پروژه برج‌های دوقلوی "متروپل" هلدینگ عبدالباقی بود. فروریزی این ساختمان باعث خسارت‌های زیادی شد و روند آواربرداری و علت‌یابی وقوع حادثه از مسائلی بود که مدت‌ها افکار عمومی جامعه ایران را درگیر خود کرده بود. مسئله‌ای که این تحقیق در پی پاسخ‌گویی به آن است نحوه چارچوب‌بندی این بحران در مطبوعات ایران است. با توجه به فضای سیاسی-اجتماعی ایران دو روزنامه کیهان و شرق را به‌عنوان نمونه تحقیق برگزیدیم. روزنامه کیهان از نظر سیاسی به گروه‌های اصول‌گرا نزدیک است و روزنامه شرق به جریان نوگرای ایران که خود را اصلاح‌طلب می‌دانند^۶. بنابراین پرسش

1. Coombs
2. Nelson
3. Willey
4. D'Angelo
5. Shaw

۶. در جامعه سیاسی ایران دو طیف سیاسی غالب موسوم به جریان‌های اصولگرا و اصلاح‌طلب وجود دارد. جریان اصولگرا بر حفظ ارزش‌های انقلاب اسلامی و استقلال سیاسی ایران تأکید دارد و به اصطلاح جبهه راست ایران است که نگاهی سنتی دارد و به دنبال حفظ وضعیت موجود است. در مقابل، جریان اصلاحات به دنبال اصلاح

اصلی پژوهش این است که بحران "متروپل" در مطبوعات ایران چگونه چارچوب‌بندی شده است؟ آیا روزنامه‌های کیهان و شرق که به‌نوعی نماینده دو جریان سیاسی متفاوت در جامعه ایران هستند، این بحران را به شیوه متفاوتی چارچوب‌بندی کرده‌اند؟

ادبیات نظری

چارچوب‌بندی^۱

چارچوب‌بندی فرایندی است که شامل "انتخاب" و "برجسته‌سازی" برخی از جنبه‌های واقعیت و حذف برخی جنبه‌های دیگر می‌شود و به‌چگونگی تفکر و تصمیم‌گیری مخاطب جهت می‌دهد که همین می‌تواند قدرت یک متن ارتباطی را نمایان سازد. چارچوب‌ها به‌طور معمول متن را از چهار مرحله عبور می‌دهند: شناسایی مشکل؛ تبیین علی؛ ارزیابی اخلاقی؛ پیشنهادها و راهکار که به تفسیر متفاوتی از متن می‌انجامد. به‌طور کلی، هر بخش یک متن می‌تواند به روش‌های مختلفی برجسته شود و بر نوع مواجهه و ادراک مخاطب اثر بگذارد (انتمن^۲، ۱۹۹۳: ۵۱-۵۴). این اصطلاح را نخستین بار اروین گافمن (۱۹۷۴) در ادبیات علوم انسانی به‌کار برد و آن را طرح‌واره‌ای تفسیری برای درک و معنادهی به جهان می‌داندست. چارچوب‌ها این امکان را می‌دهند تا افراد وقایع را در قالب مشخصی "پیدا، درک و شناسایی کنند و به آن‌ها برچسب بزنند"؛ حتی اگر نتوانند تعریف دقیقی از آن داشته باشند (گافمن^۳، ۱۹۸۶: ۲۱). از آن‌جا که ادراک انسان نیز گزینشی عمل می‌کند، از این فرایند انتخاب آگاه نیست و به در دسترس‌ترین اطلاعات تکیه می‌کند؛ اطلاعاتی که پیش‌تر توسط کارگزاران ارتباطی درباره موقعیت یک واقعیت ساخته شده‌اند (کاپرز^۴، ۲۰۱۰: ۳۰۰).

محققان ارتباطات نیز چارچوب را در دو معنا به کار برده‌اند. نخست، چارچوب در اخبار و رسانه‌ها که به کلمات، نمادها و شیوه‌هایی اشاره دارد که تولیدکنندگان برای جلب نظر مخاطبان از آن بهره می‌جویند و دوم، چارچوب به معنای عام که به پیش‌فرض‌ها و قالب‌بندی‌های شناختی افراد مربوط می‌شود و برعکس مورد قبل، این مبنای قضاوت آن‌ها است؛ نه آنچه رسانه برایشان می‌سازد (چانگ و دراکن^۵، ۲۰۰۷: ۱۰۰-۱۰۱). در واقع چارچوب‌ها به ما می‌آموزند

ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در چهارچوب قانون اساسی است و به اصطلاح جبهه چپ ایران است که به‌دنبال تغییر وضعیت موجود است و خواهان بازشدن فضای سیاسی و افزایش آزادی‌های مدنی جامعه داخلی ایران و گفت‌وگو با جهان در سطح بین‌المللی است. هرچند تقابل صریح این دو جریان در عرصه رسمی سیاست کمرنگ یا محذوف شده است، همچنان تقابل‌های گفتمانی این دوگانه در نهان هویداست.

1. Framing
2. Entman
3. Goffman
4. Kypers
5. Chong & Druckman

چرا یک مسئله می‌تواند مشکل تلقی شود و چه کسی مسئول آن است و چه باید برایش کرد و واقعیتی "اجتناب‌ناپذیر" در فرایند ارتباطی است (تقی‌آبادی و تقی‌آبادی، ۱۴۰۱: ۲۴۴). رسانه‌ها به وسیله چارچوب‌بندی واقعیت، اشکال آن و حتی تاریخ را "ساختاربندی" می‌کنند و می‌توانند آن را در "الگوهای پیش‌بینی‌پذیر" قرار دهند (مک‌کوئیل^۱، ۲۰۱۰: نسخه الکترونیکی). به‌طور معمول بیشتر مردم آگاهی اندکی به مسائل تخصصی دارند و همین باعث می‌شود رسانه بتواند راحت به آن‌ها جهت بدهد و قالب مشخصی را بسازد (شیان^۲ و همکاران، ۲۰۲۲: ۲۵۸). به عبارتی دیگر رسانه‌ها در برداشت و درک مخاطب نسبت به موضوعات مختلف از جمله بحران‌ها اثرگذارند و می‌توانند توجه او را برای فهم بحران به چارچوب‌های خاصی محدود کنند (غلامی و تقی‌زاده، ۱۴۰۱: ۱۸). آنچه که در رقابت رسانه‌ها بر سر چارچوب‌بندی اهمیت دارد، پیش از هر چیز همان "برجسته‌سازی" است. این‌که کدام رسانه بتواند توجه عمومی و دولتی را به سمت تعریف خودش از مسئله خاصی معطوف کند، دارای اهمیت است (انتمن و راجکی^۳، ۱۹۹۳: ۱۵۶). برجسته‌سازی شامل دو سطح برجسته‌کردن شی و برجسته‌کردن ویژگی آن می‌شود که در این سطح دوم است که به چارچوب‌بندی می‌رسد (مک‌کامبز و غانم^۴، ۲۰۰۱: ۶۸). نظریه چارچوب‌بندی یکی از نظریه‌هایی است که از انعطاف زیادی برخوردار است و همین امر باعث شده است که هم در پژوهش‌های کیفی و هم پژوهش‌های کمی و هم در رویکردهای استقرایی و هم در رویکردهای قیاسی مورد استفاده قرار گیرد (سلنو و سیگر^۵، ۱۳۹۴: ۱۵۷). از سوی دیگر این انعطاف‌پذیری در زمینه موضوع مورد مطالعه هم خود را نشان می‌دهد. به این معنا که چارچوب‌بندی را می‌توان یک چتر مفهومی برای مطالعات ارتباطی در نظر گرفت. اگرچه نظریه چارچوب‌بندی در ارتباطات سیاسی بیش از دیگر عرصه‌های مطالعات ارتباطی مورد توجه قرار گرفته است (علی‌خانی و غلامی، ۱۴۰۰: ۱۲۴). در این پژوهش هم با توجه به ماهیت موضوع و تفاوت دو روزنامه مورد مطالعه، چارچوب‌بندی بیشتر در فضای ارتباطات سیاسی مورد توجه قرار گرفته است.

چارچوب‌بندی بحران

ارتباطات بحران یک اتفاق نیست که بین سازمان و مردم رخ دهد؛ بلکه یک فرایند پیچیده بین تمام افراد درگیر با موضوع بحرانی است که می‌تواند نقش تسریع‌کننده را نیز در وقایعی با خود حمل کند (ربیعی و شاه‌قاسمی، ۱۳۸۵: ۶۵). بنابراین ممکن است از پیش و پس از بحران زمینه‌هایی وجود داشته باشد که در این فرایند دخیل می‌شوند. یکی از ارکان ارتباطات بحران،

1. McQuail
2. Xia
3. Entman & Rojecki
4. McComs & Ghanem
5. Sellnow & Seeger

چارچوب‌بندی است که توسط رسانه‌های درگیر رقم می‌خورد. رسانه‌ها می‌توانند بر درک مردم از میزان خطر وقایع نیز تأثیر بگذارند (لین و لاگو،^۱ ۲۰۱۳: ۱۲۹). همچنین، تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های سازمان‌های رسانه‌ای به دلیل ابعاد گسترده فرهنگی و اجتماعی، در مدیریت سازمان‌ها نیز اثرگذار است (ایزدی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۵۲). هرچند آن‌گونه که باید به اهمیت رسانه‌های جمعی در زمان بحران‌ها توجه نمی‌شود (لیائو،^۲ ۱۹۸۰: ۷۴).

رسانه‌ها با توجه به خاستگاه و پایگاه سیاسی خود پیام‌های خبری را چارچوب‌بندی می‌کنند و به مخاطب می‌گویند وقتی حادثه‌ای پیش می‌آید، درباره آن چگونه بیندیشد و «گفتمان هر رسانه بخشی از فرایندی است که افراد به وسیله آن معانی را می‌سازند» (گامسون و مادلگانی،^۳ ۱۹۸۹: ۲). در واقع این‌جا رسانه توانمندی این را دارد تا با توجه به منافعش، چهره سازمان یا افرادی را مثبت و دیگری را منفی نشان دهد. پس ضروری است که درک کنیم مالکان رسانه چه کسانی هستند و با توجه به پایگاه و منافعشان پیام‌ها را چگونه برای مخاطب چارچوب‌بندی می‌کنند (سیسل،^۴ ۲۰۱۲: ۶۹). هرچند نظریه چارچوب‌بندی در مطالعات ارتباطی در زمینه‌ها و موضوعات مختلف به کار گرفته شده و توانایی تبیینی خود را نشان داده است، اما در حوزه ارتباطات بحران چارچوب‌بندی بیشتر برای بررسی پوشش خبری رویدادها مورد استفاده قرار گرفته است (سلنو و سیگر، ۱۳۹۴: ۱۵۸).

هر بحرانی نشانه‌هایی را در چارچوب‌های مشخصی برای مردم می‌سازد تا طبق آن بحران تفسیر شود (کومبز، ۲۰۲۳: ۱۹۵). یکی از این چارچوب‌ها که مداخلات بحران را دقیق‌تر به تصویر می‌کشد، نظریه ارتباطات بحران موقعیتی^۵ است. این نظریه به سازمان‌ها کمک می‌کند تا با توجه به شرایط بحران و درک عمومی از مسئولیت آن، بهترین پاسخ‌های ارتباطی را انتخاب کنند. ارتباطات بحران موقعیتی فرض می‌کند که ادراک مخاطبان از بحران و میزان مسئولیت سازمان، تعیین‌کننده اصلی راهبرد ارتباطی مناسب است و براساس آن، چگونگی چارچوب‌بندی پیام‌ها توسط رسانه‌ها با توجه به نوع بحران متغیر خواهد بود.

این نظریه برای پس از بحران، چارچوبی برای فهم چگونگی پاسخ‌دهی مدیران بحران و چگونگی فهم مخاطبان را ترسیم می‌کند (خانیکی، ۱۳۸۷: ۹۳). پیشینه سازمان بر چگونگی دریافت مخاطب از بحران کنونی نیز اثر می‌گذارد و مهم‌ترین موضوع در این نظریه، تلاش برای حفظ شهرت سازمان است (کومبز، ۲۰۰۴: ۲۶۶). این نظریه بحران‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کند:

- **بحران‌های قربانی:** زمانی که سازمان به عنوان قربانی بحران در نظر گرفته می‌شود و کمترین میزان مسئولیت را متحمل می‌شود (مانند بلایای طبیعی)؛

1. Lin & Lagoe
2. Liao
3. Gamson & Modigliani
4. Cissel
5. Situational Crisis Communication Theory

- بحران‌های تصادفی: زمانی که بحران به‌طور غیر عمدی و بدون نیت سوء رخ می‌دهد که میزان متوسطی از مسئولیت را به همراه دارد (مانند خرابی مکانیکی)؛
- بحران‌های عمدی یا قابل جلوگیری: زمانی که سازمان به‌طور مستقیم مسئول یا مقصر بحران شناخته می‌شود و بیشترین مسئولیت را بر عهده دارد (مانند کلاهبرداری یا رسوایی) (کومبز، ۲۰۲۳: ۱۹۴-۱۹۵).

بر اساس مؤلفه‌های فوق، سازمان درگیر با بحران می‌تواند از رسانه‌ها برای انگ‌زدایی از خودش استفاده کند و این رسانه‌های خبری هستند که اخبار دست‌اول را منتشر و وب‌نوشت‌ها و شبکه‌های اجتماعی، اخبار دست‌دوم را منتشر می‌کنند و این اهمیت رسانه‌های خبری را در بحران افزایش می‌دهد (کومبز، ۲۰۰۷: ۱۶۴).

الگوی چارچوب‌بندی سمتکو و والکنبورگ

سمتکو و والکنبورگ^۱ (۲۰۰۰) الگویی برای چارچوب‌بندی اخبار مطبوعات و تلویزیون طراحی کرده‌اند که در پنج مؤلفه جداگانه یا به عبارتی بهتر در پنج چارچوب کلان، مضامین و مقولات یافته‌شده در متن خبر را تقسیم‌بندی می‌کنند. این پنج چارچوب عبارتند از مسئولیت، تعارض، انسان‌پسند بودن (به‌اختصار انسانی)، پیامدهای اقتصادی و اخلاق. بین این مؤلفه‌ها نیز در رسانه‌های جدی‌تر چارچوب مسئولیت و تعارض بیشترین استفاده را داشته‌اند. چارچوب اخلاقی نیز به‌ندرت دیده می‌شود. این در حالی است که رسانه‌های احساسی بیشتر از چارچوب انسانی بهره می‌برند. برای نمونه در مقایسه تلویزیون و مطبوعات، تلویزیون بیشتر احساسی و در نتیجه در چارچوب انسانی کار می‌کند و مطبوعات به‌عنوان رسانه‌های جدی‌تر بیشتر چارچوب مسئولیت و تعارض را نشان می‌دهند. پس بیشترین تفاوت در چارچوب‌ها نه در تفاوت اخبار متنی و تصویری (چاپ و تلویزیون)، بلکه در میزان احساساتی است که در متن اخبار وارد می‌شود. این چارچوب‌بندی چنان کامل بوده است که بر ۲۶۰۱ خبر در روزنامه و ۱۵۲۲ خبر در تلویزیون که آن دو مطالعه کرده‌اند، تطابق یافته است (سمتکو و والکنبورگ، ۲۰۰۰: ۹۳-۹۴).

روش تحقیق

داده‌هایی که در این جا با آن روبه‌رو خواهیم بود، متن و از نوع "مصنوعات اجتماعی" هستند. یعنی نشان‌ها و محصولاتی که افراد مستقیم یا غیرمستقیم تولید کرده‌اند و مبنای ارزیابی ما خواهند بود (بلیکی^۲، ۱۳۹۹: ۴۸). همگی این داده‌ها دست‌اول و توسط پژوهش‌گر گردآوری

شده‌اند. روش تحلیل داده‌ها تحلیل چارچوب کیفی است که از پنج مرحله می‌گذرد: آشناسازی؛ شناسایی یک چارچوب موضوعی؛ نمایه‌سازی؛ جدول‌بندی؛ ترکیب داده‌ها یا نقشه و تفسیر (سریواستا و تامپسون^۱، ۲۰۰۹: ۷۵-۷۶).

در مرحله آشناسازی، به یافتن و خواندن داده‌های متنی مورد نظر پرداخته‌ایم. مرحله بعد و حین خواندن متون، زمان ثبت و ضبط ایده‌هایی است که برای قالب‌بندی متن‌ها به ذهن متبلور می‌شود. در واقع در این مرحله متون مختلف می‌توانند در چند مضمون اصلی تقسیم‌بندی شوند. مرحله نمایه‌سازی به شناسایی موضوعات مرتبط با هر مضمون یا چارچوب اصلی می‌پردازد. در این جا از چارچوب‌های نام‌برده در ادبیات نظری بهره جستیم و آن‌ها را با مقولات میانی و کدهای اولیه ترکیب کرده و تطبیق دادیم. در مرحله بعدی، داده‌ها به صورت درون‌مایه‌ای یا موردی در جدول به صورت یک‌جا و خلاصه نشان داده خواهند شد. در این جا پس از چندین بار کدگذاری هر دو روزنامه مذکور، برخی از کدها و مقولات را حذف، به بعضی اضافه و بعضی را با دیگر مقولات یا چارچوب‌ها ترکیب کرده‌ایم و در نهایت، در مرحله پنجم، نقشه‌ای مفهومی، تفسیر و گزارش نهایی از داده‌های کدگذاری شده، براساس پرسش‌های اصلی پژوهش سامان‌دهی شده است. برای این دسته‌بندی‌ها نیز از نرم‌افزارهای ورد و اکسل کمک گرفته شد تا سرعت دسترسی به داده‌ها، سامان‌دادن و حذف و اضافه کردن آن افزایش بیابد و داده‌ای در این بین از بین نرود.

روش کدگذاری نیز کدگذاری مضمون بوده است. بویاتزیس (۱۹۹۸) مضمون را این‌گونه تعریف می‌کند: «مضمون در ساده‌ترین شکل تلقی‌هایی از پدیده را بیان و سازمان‌دهی می‌کند و در بالاترین حد، جنبه‌هایی از آن پدیده را تفسیر می‌کند» (سالدانا^۲، ۱۳۹۵: ۲۶۷). نمونه تحقیق را اخبار مرتبط را از فردای روز وقوع حادثه (۳ خرداد ۱۴۰۱) تا ده روز پس از آن (۱۳ خرداد ۱۴۰۱) در نظر گرفتیم. دو روزنامه شرق و کیهان با توجه به سابقه‌شان در دو طرف طیف سیاسی جناح‌های اصلاح‌طلب و اصول‌گرا در کشور انتخاب ما بوده‌اند. در مجموع ۵۳ خبر از روزنامه شرق و ۴۳ خبر از روزنامه کیهان استخراج و تحلیل کردیم که از مجموع ۵۳ خبر روزنامه شرق، ۲۷ خبر تیتیر صفحه اول و از مجموع ۴۳ خبر روزنامه کیهان نیز ۱۲ خبر تیتیر صفحه نخست بودند.

یافته‌های تحقیق

بر مبنای مدل چارچوب‌بندی سمتکو و والکنبورگ (۲۰۰۰) روزنامه شرق از هر پنج چارچوب برای پوشش خبری این بحران استفاده کرده است و روزنامه کیهان از چهار چارچوب این الگو برای پوشش خبری استفاده کرده است. در ادامه هرکدام از این چارچوب‌ها را توضیح داده و

1. Srivastava & Thomson
2. Saldaña

سعی خواهیم کرد در تشریح هر چارچوب، تفاوت دو روزنامه در استفاده از آن‌ها مشخص شود تا در نهایت بتوانیم به سؤال اصلی تحقیق پاسخ بدهیم.

۱. چارچوب مسئولیت

چارچوب مسئولیت ذیل پنج مقوله تقسیم‌بندی شده است.

۱.۱. مقایسه با بحران‌های مشابه

مردم و رسانه‌ها بیشتر اوقات بحران فعلی را با بحران‌های پیشین مشابه مقایسه می‌کنند و اگر این اتفاق تکرار شونده تلقی شود می‌تواند به شهرت سازمان آسیب بزند. مقوله مقایسه با بحران‌های مشابه به دو بخش داخلی / خارجی و آینده / گذشته برمی‌گردد. در بخش نخست مقایسه بحران با بحران‌های کشورهای دیگر یا داخل کشور مد نظر است. مورد بعدی نیز نوعی پیش‌بینی درباره آینده یا صحبت از تجربه گذشته است. این جایکی از مهم‌ترین مصادیق که بارها به آن اشاره شده است، فروریزی ساختمان "پلاسکو" در دی‌ماه ۱۳۹۵ است.

روزنامه شرق در مقایسه با کشورهای دیگر، عملکرد مسئولان کشور را در دو سطح پیش‌بینی و مقابله با بحران‌ها نقد کرده است و مثال‌هایی از کشورهای دیگر به میان می‌آورد تا الگویی برای اقدامات داخل کشور شوند: «گروهی از بشر می‌شود ژاپنی‌ها که روی کمر بند زلزله این‌گونه زیست می‌کنند که زلزله‌های با ریشتر زیاد هم تلفاتی برای آن‌ها به بار نمی‌آورد، گروهی هم می‌شوند ایرانی‌ها و هندی‌ها که زلزله نیامده ساختمان‌های سست‌پایه شکل گرفته با فسادشان فرو می‌ریزند و ملتی را در ماتم فرو می‌برند.»^۱

روزنامه کیهان برعکس روزنامه قبلی، روند نقدها به مقابله با بحران‌ها را نقد کرده است و مثال‌هایی از کشورهای دیگر (به‌شکل مشخص آمریکا) می‌زند تا با تقبیح آن‌ها، از الگوی موجود در کشور دفاع کند: «چند ماه پیش یک ساختمان مسکونی در آمریکا فرو ریخت و ۱۰۰ نفر کشته شدند و چندین نفر زخمی ولی هیچ صدایی از غرب‌گرایان شنیده نشد.»^۲

روزنامه شرق حوادث قبلی و بحران‌ها را یادآور می‌شود: «چرا باید هر از چندگاهی شاهد چنین فجایعی باشیم که افزون‌بر این‌که خسارت‌های مالی و جانی فراوانی بر جای می‌گذارند، اعتماد عمومی را در سطح محلی یا حتی ملی خدشه‌دار می‌کنند؟»^۳ این یادآوری‌ها هر یک در دل خود نوعی گوشزد به مسئولان بحران را دارند. این از جمله مقولاتی است که در روزنامه کیهان یافت نشد.

۱. حواستان هست؟ فاجعه می‌آید. امیر صدری. شرق، یادداشت صفحه آخر، ۸ خرداد.

۲. کیهان و خوانندگان. پرویزی. کیهان، اخبار کشور، ۱۰ خرداد.

۳. کمیسونی که "متروپل"ها را می‌آفرینند. حسین بشیری. شرق، جامعه، خرداد.

۲.۱. ضعف سیستماتیک

روزنامه شرق خلاً قانونی را در جاهای مختلفی نشان می‌دهد: «وقتی به ترکیب کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری‌ها توجه می‌شود، عمق فاجعه را می‌توان بهتر درک کرد. ماده ۱۰۰ قانون شهرداری منشأ قانونی تأسیس این کمیسیون است.»^۱ این موضوع را تا جایی مهم می‌پندارد که در یکی از سرمقاله‌ها به آن اشاره می‌کند: «با اختیارات قانونی دهیاری‌ها که فاجعه‌هایی مثل ساخت‌وسازهای جواهرده رامسر را رقم زده‌اند، چه خواهید کرد؟»^۲

نبود شفافیت و بی‌اعتمادی افکار عمومی از پرتکرارترین مضامینی بودند که روزنامه شرق به آن‌ها پرداخته بود. روزنامه کیهان به موضوع افکار عمومی پرداخته کوتاه‌تر و محدودتر داشته که با رویکرد روزنامه شرق متفاوت است. روزنامه شرق می‌نویسد: «نبود شفافیت، یک واکشش ضعیف است که اجازه کنترل فساد و رعایت استانداردها را نمی‌دهد. در چنین شرایطی، فساد، ساختارمند و نظام‌مند می‌شود.»^۳

در جاهایی دیگر نیز به بی‌اعتمادی افکار عمومی اشاره می‌کند: «نتیجه طبیعی نبود نظارت سالم، ندیده‌گرفتن تخلفات و ندیدن و نشنیدن هشدارها، ریزش است؛ نخست ساختمان و بعد هم اعتماد عمومی.»^۴ «دیوار اعتماد شهروندان به مسئولان آن‌چنان فرو ریخته که اگر جسد عبدالباقی را در ملأ عام به تماشا بگذارید، ملت می‌پندارند که توهم است.»^۵

این روزنامه دو مورد را ترکیب می‌کند و نبود شفافیت را علتی برای بی‌اعتمادی افکار عمومی می‌خواند: «دنیای رسانه‌ای شده امروز، دنیای شفافیت و روراستی با مردم است. مسئولان باید اعتبار داشته باشند که بتوانند افکار عمومی را در حوادث کنترل و مدیریت کنند و این اعتبار از شفافیت و روراستی حاصل می‌شود.»^۶ این رسانه بارها در یادداشت‌های مختلف این پدیده را تحلیل کرده و در جایی خود آن را هم «بحران» تلقی کرده است: «حادثه فرو ریختن ساختمان «متروپل» بار دیگر یکی از بحران‌های اجتماعی کشور را عیان کرد. بحرانی به نام بی‌اعتمادی که به شکافی میان مردم و مسئولان تبدیل شده است.»^۷

این در حالی است که روزنامه کیهان، دلیل خدشه‌دار شدن و تشویش (نه به ضرورت بی‌اعتمادی) افکار عمومی را نه نبود شفافیت، بلکه رویکرد احزاب اصلاح طلب می‌داند:

۱. کمیسیونی که «متروپل»‌ها را می‌آفرینند. حسین بشیری. شرق، جامعه، ۵ خرداد.
۲. نگران نباشید، خبری نمی‌شود! . سیدمصطفی هاشمی طباطبائی. شرق، صفحه نخست، ۱۲ خرداد.
۳. از استخر پارک شهر تا سقوط «متروپل». علی دینی ترکمانی. شرق، سرمقاله، ۴ خرداد.
۴. نتیجه خود را به ندیدن زدن، خراب‌شدن آوار بر سر مردم است. سیدشهاب‌الدین طباطبائی. شرق، سیاست، ۷ خرداد.
۵. متروپل و مسئولان غایب. غلامحسین دوانی. شرق، یادداشت صفحه آخر، ۱۰ خرداد.
۶. زوال اعتماد عمومی خطر دارد! . قادر باستانی. شرق، یادداشت صفحه آخر، ۱۱ خرداد.
۷. بحران بی‌اعتمادی. نیلوفر منصوریان. شرق، اقتصاد، ۹ خرداد.

«طیف آلوده به سیاسی کاری و کاسب کاری با خون و اندوه مردم سعی دارد افکار عمومی را از مسئولیت خود در قبال این حادثه تلخ و تأسف بار منحرف کند.»^۱

روزنامه کیهان در جاهایی دیگر افزون بر انحراف افکار عمومی و بی اعتمادی شان از واژه "دوقطبی" استفاده می کند و مسئول این اتفاق را جناح سیاسی اصلاح طلب می خواند: «امروز ۴ روزه که معاون اول رئیس جمهور، وزیر کشور، استاندار و... همگی در آبادان هستند و اصلاح طلبان مشغول سم پاشی و القای یأس و بی اعتمادی و دوقطبی سازی.»^۲

۱.۳. ابهام در پذیرش مسئولیت

ابهامات در دو سطح خودنمایی کرده است: پذیرش مسئولیت اصلی بحران؛ توضیحات ارائه شده به مردم. پذیرش مسئولیت اصلی بحران در دو سطح قابل بررسی است. یکی قبل از بحران که به شناسایی مقصران و مسببان حادثه می پردازد و دیگری پس از بحران که مسئولیت مواجهه با بحران و امداد رسانی را پوشش می دهد. این جا مشخص نیست مسئولیت و قصور اصلی با چه کسی است و می توان از چه کسی مطالبه داشت. هر دو روزنامه شرق و کیهان این ابهام را کم و بیش به صورتی مشابه پوشش داده اند.

روزنامه شرق یک روز پس از حادثه می نویسد: «دلیل اصلی این حادثه را کسی به زبان نمی آورد. مسئولان امدادی می گویند در دست بررسی است.»^۳ یک روز بعد اضافه می کند: «برخی بر این باورند که هر بار تنها عده ای سیاهی لشکر به عنوان مقصران ماجرا بازداشت می شوند و مسببان اصلی در حاشیه ای امن قرار دارند.»^۴ روزنامه کیهان نیز به نقل از نماینده مردم آبادان در مجلس شورای اسلامی می گوید: «هنوز برای بررسی دقیق ابعاد حادثه زمان زیادی باقی مانده است و از اکنون نمی توانیم نظر قطعی بدهیم.»^۵

۱.۴. مقصران بحران

پرتکرارترین مقصران شهرداری و در رده بعد نظام مهندسی هستند. نقطه تفاوت مهم زمانی آشکار می شود که روزنامه کیهان مقصری را به گزینه ها می افزاید که روزنامه شرق اشاره ای به آن نکرده است و با توجه به تأکیدات زیاد روزنامه کیهان، می توان این مقصر را هم پایه شهرداری

۱. نگاهی به دیروزنامه های زنجیره ای تظہیر ترامپ از سوی مدعیان اصلاحات. کیهان، سرویس کیهان، سیاست، ۹ خرداد.

۲. # پرسه - در - فضای - مجازی. سید عبداله متولیان. کیهان، جامعه، ۸ خرداد.

۳. "پلاسکو" در آبادان. نورا حسینی. شرق، جامعه، ۳ خرداد.

۴. ورود مجلس به "متروپل". شرق، گروه سیاست، سیاست، ۴ خرداد.

۵. ریزش ساختمان تجاری ۱۰ طبقه در آبادان با ۶ فوتی و ۳۲ مصدوم احتمال حبس ده ها نفر زیر آوار وجود دارد. کیهان، سرویس کیهان، اخبار کشور، ۳ خرداد.

شناخت. روزنامه کیهان با توجه به رویکرد خود، از دولت قبلی، به عنوان یکی از مقصران اصلی یاد می‌کند: «وقاحت و بی‌شرمی طیف مدعی اصلاحات در سیاسی‌کاری و کاسبی با خون مردم و اندوه بازماندگان این حادثه که کار پلشت سیرتان و نفاق افکنان است، در حالی است که سازنده ساختمان فرو ریخته آبادان، چهره ماندگار دولت روحانی و وزارت صمت است و افتتاح این ساختمان هم در زمان استاندار پر حاشیه خوزستان در دولت قبل یعنی غلامرضا شریعتی است.»^۱ موضوع بعدی مقابله با مقصران است که در سه سطح خودش را نشان می‌دهد. نخست، مطالبه مردم، اهالی رسانه و برخی مسئولان برای برخورد با عاملان این فاجعه است. مرحله بعدی ادعا و پاسخ‌گویی مسئولان مربوط مبنی بر این است که با عاملان برخورد خواهد شد و مرحله نهایی، اعلام خبر برخورد با این عوامل و بازداشت آن‌ها است. رویکرد دو روزنامه در این امر به همدیگر شبیه بوده است.

روزنامه شرق تلاش کرده به طرق مختلفی مطالبه "برخورد با مسببان" را بازتاب دهد. جایی این درخواست را از کانون کارگردانان سینما بازتاب داده است و در چندین یادداشت تحلیلی این مطالبه را از سمت خود به مسئولان ابراز می‌کند.^۲ درخواست سید محمد مولوی و جلیل مختار، نمایندگان مردم آبادان در مجلس، را بازتاب می‌دهد که در تذکری شفاهی در مجلس از قوه قضاییه می‌خواهند مسببان را شناسایی کنند: «آیا وقت آن نرسیده که فریاد مظلومیت آبادان شناسایی شود؟»^۳ در جایی دیگر نیز مطالبه بازماندگان حادثه را به گوش مسئولان می‌رساند: «اگر دستتان می‌رسد، انتقام این‌ها را بگیرید.»^۴ روزنامه کیهان نیز مطالبه خوانندگان خود را این‌گونه بازتاب می‌دهد: «ضرورت دارد گزارش دقیقی از عملکرد شهرداری، نظام مهندسی و مهندسان ناظر این پروژه تهیه شود و به اطلاع عموم برسد.»^۵

موضوع بعدی بازتاب داده‌شده در هر دو رسانه، ادعای مسئولان برای برخورد با مقصران است. روزنامه کیهان از مسئولانی نام برده که دستورات و قول‌هایی برای مقابله با مقصران صادر کرده‌اند.^۶ گویی روزنامه کیهان تلاش کرده تا با بازتاب سخنان مسئولان، خیال مردم را از باب مقابله با خاطیان ایمن سازد اما روزنامه شرق چارچوب‌های خود را در وجه مطالبه‌گری سامان داده است.^۷

۱. فاجعه "متروپل" و شعبده‌بازی مدعیان اصلاحات برای تبرئه خود. کیهان، سرویس کیهان، سیاست، ۷ خرداد.

۲. برای مثال نگاه کنید به سرمقاله این روزنامه: نگران نباشید، خبری نمی‌شود! سید مصطفی هاشمی طباطبائی، شرق، سرمقاله، ۱۲ خرداد.

۳. ورود مجلس به "متروپل". گروه سیاست، سیاست، ۴ خرداد.

۴. شرق، پس تکلیف طاقت این همه علاقه چه می‌شود. شهرزاد همتی، شرق، روایت، ۱۱ خرداد.

۵. کیهان و خوانندگان. بی‌نام. کیهان، اخبار کشور، ۱۰ خرداد.

۶. حضور وزیر کشور و معاون اقتصادی رئیس‌جمهور در محل حادثه ریزش ساختمان "متروپل" آبادان. کیهان، سرویس کیهان، جامعه، ۴ خرداد.

۷. پلاسکو در آبادان. نورا حسینی، شرق، جامعه، ۳ خرداد.

موضوع دیگری که در مقوله مقصران بحران توسط روزنامه شرق یادآوری شده و در روزنامه کیهان سخنی از آن آورده نشده، فراموشی مقصران است. روزنامه شرق به تجربه‌های پیشین اشاره می‌کند و نهیب می‌زند که مسئولیت‌ها در قبال این حادثه هم فراموش خواهد شد و جایی در سرمقاله‌اش می‌آورد: «طبق تجربه گذشته، پس از مدتی با تشکیل پرونده برای مقصران و به تدریج و با ارتباطات و استدلال‌های مختلف، گذشت زمان شامل مقصران این فاجعه شده و همه چیز به روال قبلی برمی‌گردد.»^۱

۲. چارچوب انسانی

چارچوب انسانی ذیل سه مقوله تقسیم‌بندی شده است.

۱.۲. امنیت مردم

در این دو روزنامه مسائل مربوط به امنیت به سه سطح جسمانی، روانی و اجتماعی تقسیم شده‌اند. در بحث امنیت جسمانی، بیشترین چیزی که مورد توجه قرار گرفته، آمار و گزارش‌هایی است که روزنامه‌ها از تعداد کشته‌شدگان یا مجروحان حادثه پوشش می‌دهند. وجه تمایز در نوع بازتاب آمار است. روزنامه کیهان خشک و رسمی از اعداد و ارقام می‌گوید. روزنامه شرق اما حین ارائه ارقام از واژه‌های تأسف برانگیز و محزون نیز استفاده می‌کند تا بار غم حادثه را از حیث آسیب جسمانی برای مردم، بیشتر نمایان سازد.

روزنامه شرق در جاهایی نیز امنیت جسمانی را بهانه‌ای برای نقد عملکرد مسئولان دانسته و می‌گوید: «چنین سازه‌هایی ایمنی شهروندان را به خطر می‌اندازد؛ آن‌ها هم در حالی که همه سازوکارهای اجرایی کشور باید در مسیری به کار برده شود که امنیت شهروندان ایرانی را تأمین کند.» «روزنامه شرق به جای "کشته‌شدگان" یا "محبوسان" از ترکیب‌هایی چون "تعدادی از مردم دیار خون‌گرم آبادان..." یا "هم‌وطنان" استفاده کرده تا بار انسانی بحران را بیشتر منتقل کند. برای این کار به گزارش عینی و مستقیم از حادثه هم می‌رود و با بازماندگان نیز مصاحبه می‌کند. این همان نقطه‌ای است که مسیر را به موضوع بعدی یعنی امنیت روانی می‌رساند.

در بحث امنیت روانی روزنامه کیهان سخنی به میان نیاورده است اما روزنامه شرق به آن اشاره کرده و حتی در جایی گزارشی را انحصاری به این مهم اختصاص داده و آن را "آوار روحی" خوانده است. روزنامه شرق بارها می‌نویسد که حادثه آبادان همه مردم ایران را تحت تأثیر قرار داده و صفت‌هایی را چون "ماتم‌زده"، "تلخ‌کام"، "روان درهم‌شکسته" و "داغدار" به مردم کشور نسبت داده است. از طرفی دیگر نیز راوی روایت روحی و روانی بازماندگانی

۱. نگران نباشید، خبری نمی‌شود! سیدمصطفی هاشمی طباطبائی، شرق، صفحه نخست، ۱۲ خرداد.

۲. ایمنی شهروندان در خطر. زهرا نژادبهرام، شرق، جامعه، ۵ خرداد.

می‌شود که عزیزانشان را از دست داده‌اند و حتی خبرنگارانش مستقیم با این افراد مصاحبه کرده‌اند.

در امنیت اجتماعی بیش‌ترین چیزی که مد نظر قرار گرفته است بحث "حقوق شهروندی" است و از همین ترکیب هم برای اشاره به آن استفاده شده است: «از میان برداشتن این پناهگاه‌های مفسده‌انگیز قانونی یک امر جدی و حیاتی برای حفظ جان و مال و حقوق شهروندان است.»^۱ روزنامه شرق چندین بار و روزنامه کیهان هم یک جا اشاره‌ای داشته است اما پرداخت دقیقی نبوده و به نقل یکی از مقامات مسئول این اشاره صورت گرفته است: «وقتی می‌دانیم تعداد زیادی از شهروندان ما روزانه وارد ساختمان‌های ناایمن می‌شوند نباید از انتشار اسامی آن‌ها بترسیم. بی‌شک فهرست ساختمان‌های ناایمن را منتشر می‌کنیم و با جان مردم معامله نخواهیم کرد.»^۲

۳.۲. اتحاد مردم

وجه انسانی دیگر، اخباری است که اتحاد مردم را در این بحران جلوه‌گر می‌کند. این اتحاد در سه ساحت هم‌دلی مردم با همدیگر، تجمعات اعتراضی آن‌ها و عزاداری برای از دست‌رفتگان خودش را نشان داده است. چنان‌که قبل، ادبیات روزنامه شرق نرم‌تر و وجه روایت‌گونه و انسانی آن بیشتر است و روزنامه کیهان با ادبیاتی خشک و رسمی در بازتاب آن‌ها پیش رفته است.

هم‌دلی مردم در یاری به همدیگر یا امداد رسانان معنی می‌یابد. روزنامه کیهان به نقل از رئیس جمعیت هلال احمر می‌گوید: «مردم نیز لطف زیادی به امدادگران دارند که از آنان قدردانی می‌کنم.»^۳ روزنامه شرق نیز می‌گوید: «مردم و مأموران نجات‌دهنده در کنار یکدیگر و در گرما و غبار به نبرد با آوارهای برجای‌مانده از یک فساد و تخلف بزرگ می‌روند.»^۴

تجمعات اعتراضی خشم و اعتراض مردم به اوضاع پیش‌آمده است و یکی از مقولات مهمی است که روزنامه شرق چندین بار به آن پرداخته؛ در حالی که روزنامه کیهان اشاره‌ای هم به آن نکرده است. روزنامه شرق این خشم را در قالب‌هایی با عناوینی مانند کتک‌زدن شهردار آبادان، اعتراض به فساد، مسببان و مقصران حادثه، نادیده‌گرفتن جان مردم، زندگی سرمایه‌داری و در پایان فاصله بین دولت و مردم پوشش داده است. روزنامه کیهان تنها به تجمعاتی پرداخته است که حوالی ساختمان بوده و در کار امداد اختلال ایجاد کرده است. البته که روزنامه شرق هم به این موضوع اشاره کرده اما با آن هم وجه هم‌دلانه بیشتری برقرار کرده و گویی این‌جا هم خواسته سمت مردم باشد؛ با آن‌که جان خودشان در خطر بوده است.

۱. کمیسیونی که "متروپل"ها را می‌آفرینند. حسین بشیری. شرق، جامعه، ۵ خرداد.

۲. هیچ محدودیتی برای اعلام اسامی ساختمان‌های ناایمن وجود ندارد. کیهان، سرویس کیهان، اخبار کشور، ۹ خرداد.

۳. فوتی‌های حادثه ریزش ساختمان در آبادان به ۱۶ نفر رسید. کیهان، سرویس کیهان، جامعه، ۵ خرداد.

۴. کمیسیونی که "متروپل"ها را می‌آفرینند. حسین بشیری. شرق، جامعه، ۵ خرداد.

روزنامه کیهان بارها به نقل از مسئولان می نویسد که تجمع مردم در محل حادثه خطرناک است و برای نمونه می گوید: «وزیر کشور از مردم خواست تحت هیچ شرایطی به محوطه عملیاتی حادثه نزدیک نشوند زیرا شرایط خطرناکی وجود دارد ضمن این که تجمع افراد باعث کندی روند آواربرداری می شود.»^۱ روزنامه شرق همین را با ادبیاتی متفاوت از زبان خود خبرنگار می نویسد: «اما مردم به خاطر نگرانی از شرایط اقوامشان محیط را ترک نمی کنند.»^۲ روزنامه شرق به شیوه های متفاوتی سوگواری مردم را منعکس کرده است. در مقابل، روزنامه کیهان تأکید را بر پیام های تسلیت و اعلام عزای عمومی مسئولان گذاشته است. در این روند شاهد یک پوشش افقی از روزنامه شرق و عمودی از روزنامه کیهان هستیم. روزنامه شرق از نوای «عزا عزاست امروز»، سنج و دمام، غم سنگین مردم، انتظار بازماندگان برای اجساد عزیزانشان، موکب های عزاداری، ایستگاه های صلواتی، ضجه های مردم و... می گوید و برای نمونه می نویسد: «نزدیکان آن ها مستأصل، اشک در چشم و خون در دل اطراف آوار حلقه زده و منتظر زنده یا مرده عزیزان خود هستند.»^۳

روزنامه کیهان این شیوه را در پیش نگرفته است و به پیام تسلیت و تأثر مقامات کشور پرداخته است، اما التفاتی به سوگواری خود مردم نمی کند.^۴

۲.۳. تراژیک کردن حادثه

آن طور که از مقولات پیشین قابل تشخیص است، رسانه ای که در تراژیک کردن حادثه نقش پررنگی ایفا کرده، روزنامه شرق است. ارزش پایین جان انسان ها در حوادث مختلف در کشور، چیزی است که روزنامه شرق نقد تنیدی بر آن روا داشته و احساسات مردم را با خود درگیر می کند. این رسانه اعتقاد دارد که به جان های از دست رفته توجهی نمی شود: «اعطای مجوز به زمین خواران و فله ای سازها به چه قیمتی؟ به قیمت جان های زیر آوار و ضجه های مادرانی که بالای سر جنازه "متروپل" و "پلاسکو" در عزای عزیزانشان سینه می کوبند.»^۵ جایی هم بعد احساسی ماجرا را فزونی می بخشد: «سازه زوزه می کشد و آدم ها... آدم ها... خودروها در کوچک ترین برخورد مجاله می شوند، آتش می گیرند و آدم ها... آدم ها...»^۶

روزنامه کیهان اما از تلاش نیروهای امدادی و مسئولان برای نجات جان افراد می نویسد

۱. فساد گسترده ای بین پیمانکار، سازنده و دستگاه هایی که مجوز داشتند وجود دارد. کیهان، سرویس کیهان، جامعه، ۷ خرداد.

۲. عروس مدفون. شرق، گروه جامعه، جامعه، ۴ خرداد.

۳. متروپل، خسارت و جبران. حسن سلیمی. شرق، یادداشت صفحه نخست، ۱۱ خرداد.

۴. آه آبادان به بزرگ ترین دیوارنگاره تهران رسید. کیهان، سرویس کیهان، اخبار ادبی و هنری، ۹ خرداد.

۵. عروس مدفون. شرق، گروه جامعه، جامعه، ۴ خرداد.

۶. هنگام آوارهای یک فاجعه. الهام فخاری. شرق، یادداشت صفحه آخر، ۸ خرداد.

و به نقل از رئیس سازمان مدیریت بحران کشور می‌گوید: «اگر می‌خواستیم به کمک تجهیزات در آواربرداری، خشن عمل کنیم، احتمال داشت افرادی که در محل بودند آسیب ببینند ... این مسئله یک وظیفه بزرگ و انسانی بود که باید رعایت می‌کردیم.»^۱

روزنامه شرق بعد انسانی و در عین حال انتقادی را در بحثی دیگر با پررنگ کردن مسئله استان خوزستان و به طور خاص شهرهای آبادان و خرمشهر نمایان کرده است و آن را به هشت سال جنگ تحمیلی گره زده است: «اینک موسم حمایت از مردمی است که در طول دهه جنگ همه مصیبت‌ها را به جان خریدند و پالایشگاه تا آخرین روز جنگ از نفس نیفتاد تا جبهه را تأمین مالی کند.»^۲ در جایی دیگر نیز می‌نویسد: «یک ایران داغدار خوزستانی است که انگار زخم‌هایش را پایانی نیست.»^۳

۳. چارچوب تعارض

چارچوب انسانی در چار مقوله در کار آمده است.

۳.۱. فساد سیستماتیک

از مهم‌ترین نقدهای وارد شده به حادثه "متروپل"، فساد است که در ساخت‌وسازها و روندهای عمرانی کشور به وجود آمده است. روزنامه‌های شرق و کیهان این فساد سیستماتیک را در وجوه متفاوتی نقد کرده‌اند؛ از قدرت شخصی مالک ساختمان گرفته، تا روند ساخت‌وساز رانتی آن و همکاری دوطرفه شهرداری و هلدینگ عبدالباقی برای ساخت این سازه. نوک پیکان نقد روزنامه شرق به کل سیستم است که باعث بروز فساد و رانت می‌شود و بیش از ده گزارش خود را به این مفهوم با کلیدواژگان "فساد" و "رانت" پیش برده است. برای نمونه می‌نویسد: «حادثه "متروپل" روایت شفاف و بی‌رتوش فساد، زدوبند، رشوه، قانون‌شکنی و مافیای قدرتمندی است که مسبب این اوضاع است.»^۴

روزنامه کیهان نیز از رانت و فساد سخن‌هایی گفته است اما آن را به کل سیستم ربط نمی‌دهد و به شکل تعارض‌گونه‌ای آن را متوجه حزب سیاسی مقابل خود یعنی اصلاحات می‌داند و می‌نویسد:

«مدعیان اصلاحات اگرچه می‌خواهند پز مقابله با فساد بدهند اما واقعیت ماجرا این است که از قضا فساد و رانت‌خواری در دولت مورد حمایت آن‌ها به طور عجیبی ریشه دواند.»

۱. افزایش تعداد جانب‌باختگان حادثه ریزش "متروپل" به ۲۹ نفر. کیهان، سرویس کیهان، جامعه، ۸ خرداد.

۲. متروپل و مسئولان غایب. غلامحسین دوانی. شرق، یادداشت صفحه آخر، ۱۰ خرداد.

۳. حواستان هست؟ فاجعه می‌آید. امیر صدری. شرق، یادداشت صفحه آخر، ۸ خرداد.

۴. آنچه در آبادان فرو ریخت. جاوید قربان اوغلی. شرق، سرمقاله، ۱۰ خرداد.

۳.۳. بازی‌های سیاسی

ربط دادن فاجعه "متروپل" به امور سیاسی شاید همان جایی باشد که بتوان سوگیری و چارچوب‌بندی هر سازمان رسانه‌ای را متوجه شد و تقابل جدی دو روزنامه مذکور را فهم کرد. روزنامه شرق به مسئله "سیاست‌زدگی" در مسائل این چنینی اعتراض می‌کند و در یادداشتی می‌آورد: «شرایط طوری است که هر موضوع کوچک و بزرگ اجتماعی، به سرعت وجه سیاسی می‌یابد و فضا برای جولان تندروها و جبهه‌گیری‌های بی‌پایان و پرخطر، به‌ویژه در فضای مجازی فراهم می‌شود.»^۱ این در حالی است که روزنامه کیهان در مقابل کنایه می‌زند که این جبهه اصلاحات است که مقصر و "سیاسی‌کار" است: «این طیف آلوده به سیاسی‌کاری و معروف به کاسب‌کاری با خون مردم در ادامه رویکرد همیشگی خود مبنی بر سیاه‌نمایی از ایران، تقلا می‌کنند افکار عمومی را از مسئولیت خود در قبال این حادثه منحرف کنند.»^۲

از طرفی دیگر، هر دو روزنامه در جایی به عملکرد دولت اعتراض می‌کنند. با این تفاوت که اعتراض روزنامه کیهان به دولت پیشینی است که عبدالباقی در آن مجوز گرفته و اعتراض روزنامه شرق به عملکرد دولت فعلی در برابر اقدامات پس از حادثه است و در صفحه اول روزنامه خود با تیتیر «کجایش را می‌خواهید درست کنید آقای رئیسی؟»^۳ عملکرد یک‌ساله دولت را در امور عمرانی نقد می‌کند و به حادثه فعلی ربط می‌دهد. در جایی دیگر با تیتیر «عملکرد دولت و رسانه‌های رسمی در فاجعه "متروپل" آبادان بررسی شد.»^۴، عملکرد دولت را پس از حادثه نقد می‌کند و بیان می‌کند که دولت دیر اعلام عزای عمومی کرده است و با کنایه در سرمقاله‌اش می‌نویسد: «دولت پس از گذشت چند روز به فکر اعلام عزای عمومی و اعزام مسئولان ذی‌ربط برای مرهم‌گذاشتن بر دل داغداران می‌افتد.»^۵

روزنامه کیهان هم به دولت جبهه مقابل خود حمله می‌کند: «سازنده ساختمان فرو ریخته آبادان، چهره ماندگار دولت روحانی و وزارت صمت محسوب می‌شود.»^۶

۳.۴. پوشش خبری رسانه‌های دیگر

تقابل رسانه‌ای، اعتراض به بازتاب اخبار ضد و نقیض و دیگری، فاصله رسانه‌های رسمی و غیررسمی مواردی است که روزنامه‌های شرق و کیهان پس از بررسی دیگر رسانه‌ها به آن اشاره داشته‌اند.

روزنامه شرق، صداوسیما جمهوری اسلامی را هدف انتقادات خود قرار داده است. این

۱. زوال اعتماد عمومی خطر دارد!، قادر باستانی، شرق، یادداشت صفحه آخر، ۱۱ خرداد.

۲. فاجعه متروپل و شعبده‌بازی مدعیان اصلاحات برای تبرئه خود. کیهان، سرویس کیهان، سیاست، ۷ خرداد.

۳. کجایش را می‌خواهید درست کنید آقای رئیسی؟، سیامک رحمانی، شرق، یادداشت صفحه نخست، ۱۱ خرداد.

۴. ۱۰ روز متروپل در شبکه‌های مجازی. محمد رهبری، شرق، جهان، ۱۲ خرداد.

۵. آنچه در آبادان فرو ریخت. جاوید قربان اوغلی، شرق، سرمقاله، ۱۰ خرداد.

۶. فاجعه متروپل و شعبده‌بازی مدعیان اصلاحات برای تبرئه خود. کیهان، سرویس کیهان، سیاست، ۷ خرداد.

در حالی است که روزنامه کیهان انتقادی به این سازمان رسانه‌ای وارد نکرده است و برخی از خبرهای خود را با ارجاع به آن بازتاب داده است. در مقابل، با روزنامه‌های اصلاح طلب و رسانه‌های فارسی زبان خارج از کشور (به طور خاص بی بی سی فارسی)، وارد تقابل می شود. روزنامه شرق در اعتراض به صداوسیما می نویسد: «این که رسانه ملی برای برائت یک دولت، مجوز ساخت "متروپل" را به دولت قبل نسبت دهد، چیزی جز نمک پاشیدن بر زخم دل های داغدار نیست.»^۱ این در حالی است که روزنامه کیهان به طور دقیق در نقطه مقابل می ایستد و در اعتراض به نوشته های روزنامه های اصلاح طلب مثل آرمان ملی در باب فساد و رانت این گونه می نویسد: «مدعیان اصلاحات اگر چه می خواهند پز مقابله با فساد بدهند اما واقعیت ماجرا این است که از قضا فساد و رانت خواری در دولت مورد حمایت آن ها به طور عجیبی ریشه دواند چه آن که حجم گسترده پرونده های دانه درشت های اقتصادی و مفاسد نزدیکان رئیس جمهور و کابینه دولت تدبیر و امید گواه این ادعا است.»^۲ این روزنامه تا جایی پیش می رود که رسانه های اصلاح طلب را هم پیمان با رسانه های معاند خارج از کشور ارزیابی می کند: «برخی فعالان و رسانه های اصلاح طلب هم با رسانه های معاند همراه شده اند.»^۳ انتشار اخبار ضد و نقیض و شایعات یکی از اتفاقاتی است که در زمان بحران بیشتر روی می دهد (لازار، ۱۴۰۰: ۸۵). از رویکردهای روزنامه های شرق و کیهان نیز اعتراض به این روند است. یکی از بیشترین شایعات در این حادثه، بازداشت مالک "متروپل" بود: «چطور می توانیم راوی صادق داستانی باشیم که خودمان هم در میان اخبار ضد و نقیض و پرشائبه اش، گیج و مهوت دست و پا می کنیم؟ نمونه اش ماجرای بازداشت مالک "متروپل" در روز اول و خبر مرگ او در روزهای بعد است.»^۴

ابهام که پیش تر هم به آن اشاره شد، می تواند به زایش شایعات کمک کند و وقتی از جایی رسمی نقل می شود شکل "خبر" را به خود می گیرد و شایعه ای که بر سر زبان ها بیفتد حتی اگر تکذیب هم بشود دیگر فایده ای ندارد چون بین مردم پخش شده است (لازار، ۱۴۰۰: ۹۷). این کاری است که روزنامه کیهان انجام داده است. روز اول پس از حادثه، روزنامه کیهان و نه به نقل از خبرگزاری دیگری می نویسد: «دادستان ویژه آبادان گفت: پیمانکار و مالک ساختمان بازداشت شدند.»^۵ و او روز بعد قلم را به گونه ای دیگر می چرخاند:

۱. آنچه در آبادان فروریخت. جاوید قربان اوغلی. شرق، سرمقاله، ۱۰ خرداد.
۲. نگاهی به دیروزنامه های زنجیره ای؛ متروپل در دولت و شهرداری اصلاح طلبان مجوز گرفته بود. کیهان، سرویس کیهان، سیاست، ۷ خرداد.
۳. فاجعه متروپل و شعبده بازی مدعیان اصلاحات برای تبرئه خود. کیهان، سرویس کیهان، سیاست، ۷ خرداد.
4. Lazar

۵. بحران بی اعتمادی. نیلوفر منصوریان. شرق، اقتصاد، ۹ خرداد.
۶. دستور ویژه، رئیس جمهور برای رسیدگی فوری به سانحه؛ ریزش ساختمان تجاری ۱۰ طبقه در آبادان با ۶ فوتی و ۳۲ مصدوم احتمال حبس ده ها نفر زیر آوار وجود دارد. کیهان، سرویس کیهان، اخبار کشور، ۳ خرداد.

«روز دوشنبه یکی از خبرگزاری‌های کشور خبری منتشر کرد مبنی بر این‌که مالک و پیمانکار ساختمان "متروپل" آبادان با دستور دادستان آبادان دستگیر شده است. این در حالی است که دادستانی دستور دستگیری این فرد را صادر کرده بود و اظهار نظری درخصوص دستگیری مالک ساختمان نداشته است ... دیروز هم بنا بر اعلام دادستان خوزستان مشخص شد که این فرد در بین جان‌باختگان این حادثه بوده است.»^۱

روزنامه کیهان از مردم می‌خواهد اخبار را از رسانه‌های رسمی دنبال کنند حال آن‌که روزنامه شرق عملکرد رسانه‌های رسمی کشور را نقد می‌کند و حتی پس از گذشت یک هفته از حادثه گزارشی ارائه می‌دهد که نشان‌دهنده فاصله رسانه‌های رسمی و غیررسمی است و تأکید می‌کند که رسانه‌های غیررسمی و فضای مجازی سریع‌تر از رسانه‌های جریان اصلی اخبار را پیش می‌برند: «از تاریخ هشتم خرداد، حساسیت جامعه و کاربران شبکه‌های اجتماعی نسبت به فاجعه "متروپل" روندی نزولی پیدا کرد و این تازه زمانی بود که دولت تصمیم به اعلام عزای عمومی گرفت. در همین زمان نیز برخی از کاربران توییتری نزدیک به دولت هشتگ #عزادار آبادان را در توییتر بردند که حتی این هشتگ هم چندان نگرفت. علت روشن بود؛ مردم در روزهای قبل از آن هم دردی خود را نسبت به موضوع نشان داده بودند ... بالا رفتن اعتراض‌ها نشان می‌دهد دولت و رسانه‌ها در تسلی دادن به مردم موفق عمل نکرده‌اند.»^۲

این امر حاکی از آن است که رسانه‌های رسمی داخل کشور نتوانسته‌اند افکار عمومی را به سمت خود ببرند. تا جایی که روزنامه کیهان به گزارش ایسنا و به نقل از دادستان عمومی و انقلاب اهواز می‌نویسد: «از مردم خواهش دارم اخبار و اطلاعات را از مراجع رسمی دریافت کنند و به شایعات توجه نکنند.»^۳

۴. چارچوب پیامدهای اقتصادی

چارچوب اقتصادی در هر دو روزنامه کمتر مورد توجه قرار گرفته بود و در نهایت در یک مقوله "خسارت‌های مالی" صورت‌بندی شد.

۴.۱. خسارت‌های مالی

بدیهی است که فاجعه‌ای در ابعاد "متروپل" افزون‌بر خسارت‌های جانی و روحی برای افراد، خسارت‌هایی مالی نیز در بر دارد. برخی از این خسارت‌های وارده به بازماندگان

۱. حضور وزیر کشور و معاون اقتصادی رئیس‌جمهور در محل حادثه ریزش ساختمان متروپل آبادان. کیهان، سرویس کیهان، جامعه، ۴ خرداد.
۲. ۱۰ روز متروپل در شبکه‌های مجازی. محمد رهبری. شرق، جهان، ۱۲ خرداد.
۳. حضور وزیر کشور و معاون اقتصادی رئیس‌جمهور در محل حادثه ریزش ساختمان متروپل آبادان. کیهان، سرویس کیهان، جامعه، ۴ خرداد.

حادثه برمی گردد و بخشی دیگر نیز به خاطر گستردگی بحران، به اموال عمومی و بیت المال خسارت هایی وارد می کند. روزنامه کیهان به نقل از دادستان عمومی خوزستان می نویسد: «دیه از طریق شرکت های بیمه ای که ساختمان "متروپل" را پوشش داده اند به صورت خارج از نوبت توسط دادگستری و شورای حل اختلاف استان خوزستان، یکی از مهم ترین اقدامات است که در این ستاد انجام می شود...»^۱

روزنامه شرق گزارشی از عملکردهای فعلی نمی دهد و بیشتر مطالبه گر و دارای رویکردی انتقادی است. این رسانه سه روز قبل از گزارش بالا، بیان می کند که خسارت ها بر بیت المال و بازماندگان باید جبران شود: «مالک پروژه باید جبران خسارت کند ... براساس قاعده دادگاه باید رسیدگی کند و در نهایت نسبت به همه این موارد رأی خودش را صادر کند.»^۲

۵. چارچوب پیامدهای اخلاقی

چارچوب دیگری که البته این بار فقط در روزنامه شرق یافت شد، پیامدهای اخلاقی است.

۵.۱. ارزش های اخلاقی

روزنامه شرق در باب سقوط ارزش ها باز هم به فسادگریزی می زند و می گوید: «فسادی که یک روش مناسب برای کسب ثروت و رشد فردی شده است؛ به طوری که برخی افراد یا گروه ها از قواعد اخلاقی و قانونی تخطی می کنند.»^۳ در جایی دیگر نیز می آورد: «عنصری که سال ها حلقه مفقوده است ... سقوط ارزش های اخلاقی، از دست رفتن سرمایه اجتماعی، بی اعتمادی مردم به دولت است.»^۴

نتیجه گیری

با توجه به چارچوب بندی سمتکو و والکنبورگ در مجموع می توان گفت در چارچوب مسئولیت، روزنامه شرق وضع موجود را نقد می کند و روزنامه کیهان از آن دفاع می کند. روزنامه شرق به ضعف سیستماتیک در ساختار و خلأ قانونی اشاره می کند و روزنامه کیهان از رعایت قانون سخن می گوید و برای نقد، تنها حزب سیاسی مقابل خود، اصلاحات، را به میان می آورد. این همان نقطه پررنگ چارچوب بندی متفاوت و تعارض بین این دو رسانه است. آن ها در سطحی که به منافع سازمانی شان ربط مستقیمی ندارد، چارچوب بندی های یکسان و مشابهی

۱. توقیف اموال مالک "متروپل" برای جبران خسارت ها و رسیدگی خارج از نوبت به پرونده حادثه. کیهان، سرویس کیهان، اخبار کشور، ۱۲ خرداد.

۲. موریانه های متروپل. سامان موحدی راد. شرق، جامعه، ۸ خرداد.

۳. خشت اول متروپل ها. افشین امیرشاهی. شرق، سیاست، ۵ خرداد.

۴. آنچه در آبادان فرو ریخت. شرق، جاوید قربان اوغلی. سرمقاله، ۱۰ خرداد.

ارائه می‌کنند و برای نمونه شهرداری را مقصر وقوع حادثه می‌دانند اما در لایه‌های پایین‌تر که به احزاب سیاسی‌شان مربوط می‌شود، چارچوب‌های متفاوت و گاه متعارض ارائه می‌دهند. روزنامه کیهان دولت اصلاح‌طلب را مقصر می‌کند که مالک "متروپل" زمان آن مجوز گرفته و روزنامه شرق، دولت فعلی را که پس از حادثه اقدامات لازم را انجام نداده است. همچنین روزنامه شرق به خاطر خاستگاه چپ‌گرایانه خود، در جاهایی کل ساختار را هم نقد می‌کند؛ آنچه که روزنامه کیهان به خاطر راست‌بودنش از آن دفاع می‌کند.

در چارچوب انسانی روزنامه کیهان به پوشش امدادهای پس از حادثه پرداخته و گزارش‌هایی از تلاش مسئولان برای آواربرداری ارائه می‌کند. این تلاش از نظر کمی و کیفی از روزنامه شرق بیشتر بوده است. در سطحی کلان‌تر، این دو رسانه به پیش‌بینی حوادث آینده این چنینی پرداخته‌اند و از ساختمان‌های ناایمنی گفته‌اند که امکان ریزش دارند و به این شکل مردم و مسئولان را از خطرات آینده آگاه کرده‌اند. از طرفی دیگر، روزنامه شرق تلاش کرده تا با بازتاب نظرات کارشناسان مختلف در این حوزه، ماجرا را در سطحی وسیع‌تر ببیند که برای آینده نیز تلنگری ایجاد می‌کند. این‌جا باز هم رویکرد روزنامه شرق منتقدانه بوده است. روزنامه شرق مخاطب را درگیر مسئله کرده و از "مردم" و "احساسات" آن‌ها بسیار سخن گفته و آن‌ها را با صفات گوناگون وصف کرده است؛ کاری که روزنامه کیهان از آن غافل بوده است. به نوعی در یک تقسیم‌بندی خبری، روزنامه شرق به اخبار نرم^۱ و روزنامه کیهان به اخبار سخت توجه داشته است. اخبار نرم به ابعاد انسانی و روایت‌گونه و شرح‌حال‌ها و اخبار سخت به ابعاد خشک و رسمی یک حادثه می‌پردازد (دنيس و دفلور^۲، ۱۳۸۳: ۳۳۵). روزنامه کیهان زمانی که از ادبیات رسمی هم خارج شده به تقابل سخت با جبهه اصلاحات پرداخته که آن هم نمی‌تواند مخاطب عادی را همراه خود سازد. در واقع قلم روزنامه‌نگاران شرقی اثرگذاری بیشتری بر ابعاد انسانی و افراد آن دارد. شاید همین موضوع است که باعث شده روزنامه کیهان در چارچوب پیامدهای اخلاقی سخنی به میان نیاورده باشد.

در چارچوب تعارض بنا بر داده‌های موجود، در جاهایی هر دو رسانه شرق و کیهان براساس منافع سازمانی و حزب سیاسی‌ای که به آن تعلق دارند، اخبار را چارچوب‌بندی کرده‌اند. البته که این تلاش عیان و آشکار نبوده و در لایه‌های مختلف مضامین پنهان شده است. بر همین اساس، روزنامه شرق بیش از هر چیز به علت‌یابی و تحلیل بحران پیش‌آمده پرداخته است و تلاش کرده تا بر کل ساختار موجود نقدهایی را وارد کند و به نوعی در قالب مطالبه‌گری اخبار خود را پی‌ریزی کرده است. روزنامه کیهان اما بیشتر تلاش کرده تا گزارش کارهای انجام‌شده بعد از بحران را پوشش دهد؛ همان‌طور که در چارچوب اقتصادی نیز روزنامه شرق بیشتر به

1. Soft news

2. Dennis & DeFleur

مطالبات و روزنامه کیهان به گزارش‌ها پرداخته‌اند. همچنین عملکرد رقبا (رسانه‌های رقیب) بر کارکرد و نحوه عملکرد رسانه‌ها در شرایط بحران اثرگذار است. بنابراین یافته‌های این پژوهش مؤید آن است که نحوه چارچوب‌بندی پوشش یک بحران می‌تواند متأثر از عملکرد رسانه‌های دیگر (رسانه‌های رقیب) باشد (نصرالهی، ۱۳۸۹: ۴۰۲). به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت هر دو رسانه مذکور براساس منافع سیاسی که به آن تعلق دارند، اخبار را چارچوب‌بندی کرده و تلاش کرده‌اند تا به‌صورت ضمنی شهرت حامیان سیاسی خود را حفظ و از آن دفاع کنند.

منابع

- ایزدی، لویا؛ قدمی، محسن، تقدیسی، محمدحسین، ساروخانی، باقر و دلاور، علی (۱۴۰۱). شناسایی الگوهای ذهنی مدیران رسانه‌ای پیرامون اطلاع‌رسانی در بحرها (با کاربست روش کیو). رسانه، ۳۳(۳)، ۱۴۹-۱۸۳.
doi:10.22034/bmsp.2021.301095.1599
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۹). طراحی پژوهش‌های اجتماعی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- تقی‌آبادی، مسعود و تقی‌آبادی، حمید (۱۴۰۱). واکاوی و کاربست روش شناختی تحلیل قاب در رسانه‌های خبری از منظر رویکرد کیفی. رسانه، ۳۳(۳)، ۲۴۳-۲۶۶.
doi:10.22034/bmsp.2021.301095.1599
- خانیک، هادی (۱۳۸۷). ارتباطات مخاطره، ارتباطات بحران: زمینه‌ها، مفاهیم و نظریه‌ها. رسانه، ۱۹(۲)، ۸۱-۱۰۶.
https://doi.org/20.1001.1.10227180.1387.19.2.4.6
- دفلور، ملوین لارنس و دنیس، اورت ای (۱۳۸۳). شناخت ارتباطات جمعی. ترجمه سیروس مرادی. انتشارات دانشگاه صداوسیما.
- ریبی، علی و شاه‌قاسمی، احسان (۱۳۸۵). نقش ارتباطات در مدیریت بحران. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۲(۷)، ۶۱-۸۱.
- سالدانا، جانی (۱۳۹۵). راهنمای کدگذاری برای پژوهشگران کیفی. ترجمه عبدالله گیویان. انتشارات علمی و فرهنگی.
- سلنو، ال. تیموتی و سیگر، دابلو متیو (۱۳۹۴). نظریه‌پردازی در ارتباطات بحران. ترجمه حمیدرضا نجفی. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- علی‌خانی، زهره و غلامی، فرزاد (۱۴۰۰). فیلم مستند و عدالت زیست‌محیطی: تحلیل مستندهای مرتبط با بحران آب در ایران. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۱۱(۱)، ۱۲۱-۱۵۰.
https://doi.org/10.22059/ijar.2022.339010.459738
- غلامی، فرزاد و تقی‌زاده، مهرآه (۱۴۰۱). ارتباطات بحران و رسانه‌های محلی: چهارچوب‌بندی اخبار سیل سال ۱۴۰۰ در شبکه تلویزیونی استان کرمان. جامعه، فرهنگ و رسانه، ۱۱(۴۳)، ۴۱-۱۱.
https://doi.org/20.1001.1.38552322.1401.11.43.1.7
- لازار، ژودیت (۱۴۰۰). افکار عمومی. ترجمه مرتضی کتبی. تهران: نشر نی.
- نصرالهی، اکبر (۱۳۸۹). مدیریت پوشش اخبار بحران در رسانه‌های حرفه‌ای. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.

Alikhani, Z., & Gholami, F. (2021). Documentaries and Environmental Justice: The Analysis of the Documentaries Related to Water Crisis in Iran. *Iranian Journal of Anthropological Research (IJAR)*. 11(1), 121-150. [In Persian] <https://doi.org/10.22059/ijar.2022.339010.459738>

- Blaikie, N. (2020). *Designing Social Research: The Logic of Anticipation*. Translated by Hassan Chavoshian. Tehran: Ney. **[In Persian]**
- Chong, D., & Druckman, J. (2007). A Theory of Framing and Opinion Formation in Competitive Elite Environments. *Communication*, 57(1), 99-118. <https://doi.org/10.1111/j.1460-2466.2006.00331.x>
- Cissel, M. (2012). Media Framing: A Comparative Content Analysis on Mainstream and Alternative News Coverage of Occupy Wall Street. *The Elon Journal of Undergraduate Research in Communications*, 3, 67-77.
- Coombs, W. T. (2023). Situational Crisis Communication Theory (SCCT): Refining and Clarifying a Cognitive-Based Theory of Crisis Communication. In W. T. Coombs & Sh. J. Holladay (Eds.), *The Handbook of Crisis Communication* (2nd ed), 193-209. Wiley-Blackwell.
- Coombs, W. T. (2004). Impact of Past Crises on Current Crisis Communication. *Business Communication*, 41(3), 265-289. <https://doi.org/10.1177/0021943604265607>
- Coombs, W. T. (2007). Protecting Organization Reputations During a Crisis: The Development and Application of Situational Crisis Communication Theory. *Situational Crisis Communication Theory*, 10(3), 163-176.
- Coombs, W. T. (2010). *Parameters for Crisis Communication*. In W. T. Coombs & Sh. J. Holladay (Eds.), *The Handbook of Crisis Communication*, 17-53. Wiley-Blackwell.
- D'Angelo, P. & Shaw, D. (2018). *Journalism as Framing*. In Vos, T (Ed.). *Handbooks of Communication Science*. 205-234. De Gruyter Mouton.
- DeFleur, M. L., & Dennis, E. E. (2004). *Understanding Mass Communication*. Translated to Persian by Siros Moradi. Tehran: Seda va Sima. **[In Persian]**
- Entman, R. M. (1993). Framing: Toward Clarification of a Fractured Paradigm. *Communication*, 51-58. <https://doi.org/10.1111/j.1460-2466.1993.tb01304.x>
- Entman, R. M., & Rojecki, A. (1993). Freezing out the public: Elite and media framing of the U.S. antinuclear movement. *Political Communication*, 10(2), 155-173. <https://doi.org/10.1080/10584609.1993.9962973>
- Gamson, W. A. & Modigliani, A. (1989). Media Discourse and Public Opinion on Nuclear Power: A Constructionist Approach. *American Journal of Sociology*, 95(1), 1-37. <https://doi.org/10.1086/229213>
- Goffman, E. (1986). *Frame Analysis: An Essay on the Organization of Experience*. Northeastern University Press. (first published 1974).
- Gholami, F., & Taghizadeh, M. (2022). Crisis communications and local media: Framing the flood news of 1400. *Society Culture Media*, 11(43), 11-41. **[In Persian]** <https://doi.org/20.1001.1.38552322.1401.11.43.1.7>
- Izadi, L., Ghadami, M., Taghdisi, M., Sarokhani, B., & Delavar, A. (2022). Identifying the mental patterns of media managers regarding dissemination of information during crises by using the Q method. *Rasaneh*, 33(3), 149-183. **[In Persian]** <https://doi.org/10.22034/bmsp.2021.301095.1599>
- Khaniki, H. (2009). Risk Communications, Crisis Communications: Backgrounds, Concepts and theories. *Rasaneh*, 19(2), 81-106. **[In Persian]** <https://doi.org/20.1001.1.10227180.1387.19.2.4.6>
- Kypers, J. A. (2010). *Framing Analysis from a Rhetorical Perspective*. In P. D'Angelo & J. A. Kypers (Eds.), *Doing News Framing Analysis*, 286-311. Routledge.
- Lazar, J. (2021). *L'opinion publique*. Translated by Morteza Katbi. Tehran: Ney. **[In Persian]**
- Liao, K. S. (1980). Mass Media and Crisis Communication in China: Chinese Press Reactions in the 1962 Sino-Indian Border Conflict. *Communication Research*, 7(1), 69-94. <https://doi.org/10.1177/009365028000700104>
- Lin, C. A., & Lagoe, C. (2013). Effects of News Media and Interpersonal Interactions on H1N1 Risk Perception and Vaccination Intent. *Communication Research Report*, 30(2), 127-136. <https://doi.org/10.1080/08824096.2012.762907>
- McCombs, M., & Ghanem, S. I. (2001). *The Convergence of Agenda Setting and Framing*. In S. D. Reese & O. H. Gandy Jr & A. E. Gran (Eds.), *Framing Public Life*, 67-81. Routledge.
- McQuail, D. (2010). *Mass Communication Theory*. SAGE Publications Ltd, Sixth Edition.
- Nasrollahi, A. (2010). *Managing Crisis News Coverage in Professional Media*. Tehran: Office of Media Studies and Planning. **[In Persian]**

- Rabiei, A., & Shahghasemi, E. (2006). The Role of Communication in Crisis Management. *Cultural Studies & Communication*, 2(7), 61-81. **[In Persian]**
- Saldaña, J. (2016). *The Coding Manual for Qualitative Researchers*. Translated by Abdollah Guivian. Tehran: EelmiFarhangi. **[In Persian]**
- Sellnow T. L., & Seeger, M. W. (2015). *Theorizing Crisis Communication*. Translated by Hamidreza Najafi. Tehran: Research Center for Culture, Art and Communication. **[In Persian]**
- Semetko, H. A., & Valkenburg, P. M. (2000). Framing European Politics: A Content Analysis of Press and Television News. *Communication*, 50(2), 93-109.
<https://doi.org/10.1111/j.1460-2466.2000.tb02843.x>
- Srivastava, A., & Thomson, S. B. (2009). Framework analysis: a qualitative methodology for applied policy research. *JOAG*, 4(2), 72-79.
- Taghiabadi, M., & Taghiabadi, H. (2022). Analysis and methodological application of frame analysis in news media from the qualitative perspective. *Rasaneh*, 33(3), 243-266. **[In Persian]**
<https://doi.org/10.22034/bmsp.2021.296129.1581>
- Xia, Sh., & Huang, H., & Zhang, D. (2022). Framing as an Information Control Strategy in Times of Crisis. *East Asian Studies*, 22(2), 255-279. <https://doi.org/10.1017/jea.2022.5>

© Authors, Published by Department of Media Development Education. This is an open-access paper distributed under the CC BY (license <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

